



## جایگاه حرم مطهر رضوی در سیاست مذهبی صفویان

دریافت: ۱۳۹۷/۱/۲۰ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۱۲

حمیدرضا مطهری<sup>۱</sup>، سعید نجفی نژاد<sup>۲</sup>

### چکیده

ظهور صفویان و به دنبال آن رسمی‌سازی مذهب تشیع در ایران، تحولات فرهنگی زیادی پدید آورد که آثار آن تا به امروز نیز باقی است. پادشاهان صفوی در این راه از ابزارهای متعددی استفاده کردند که توسعه اماکن مذهبی شیعی، یکی از آنها بود. بی‌گمان مهم‌ترین مکان مذهبی در ایران، حرم مطهر امام رضا (علیه‌السلام) بود. بارگاه علی‌بن موسی‌الرضا (علیهما‌السلام) با توجه به اینکه در درون مرزهای قلمرو صفوی بوده و صفویان نیز خود را از طریق امام موسی کاظم (علیه‌السلام) منسوب به آن حضرت می‌دانستند، نسبت به قبور سایر ائمه (علیهم‌السلام) از موقعیت خاصی برخوردار بوده است. از این‌رو، پادشاهان صفوی توجه ویژه‌ای به این آستانه مقدس داشته و از ظرفیت‌های آن مکان برای ترویج تشیع بهره‌برداری کردند. این پژوهش سعی دارد ضمن تبیین جایگاه حرم مطهر رضوی در درون سیاست مذهبی صفویان برای ترویج تشیع، به صورت موردی نگاهی به کارکردهای این مکان در امر توسعه تشیع داشته باشد. در این نوشتار برای رسیدن به درک مناسبی از این موضوع، جایگاه این مکان در تاریخ‌نگاری عصر صفوی بررسی خواهد شد. گزارش‌های تاریخی حکایت از توجه زیاد پادشاهان صفوی به این بارگاه مطهر دارد و زیارت، توسل، عبادت و اعتکاف و دفن در حرم و... از مواردی هستند که مورد توجه مورخان قرار گرفته‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** بارگاه رضوی، مشهد مقدس، تشیع، پادشاهان صفوی، سیاست مذهبی.

۱. استادیار پژوهشکده تاریخ و سیره پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (نویسنده مسئول): h.motahari@isca.ac.ir  
۲. دانش آموخته دکتری تاریخ اسلام دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد: s.nagafinezhad@gmail.com

## ۱. مقدمه

یکی از مراکزی که به شدت در جریان تحولات مذهبی عصر صفویه مورد استفاده پادشاهان صفوی قرار گرفت، بارگاه مطهر رضوی بوده است. حرم مطهر امام رضا (علیه السلام) دارای ویژگی‌هایی بوده که خاندان صفوی با شناسایی و بهره‌برداری از این ویژگی‌ها به روند ترویج تشیع سرعت بخشیدند. سیاست مذهبی صفویان ایجاب می‌کرد از این مکان استفاده حداکثری را در راه گسترش تشیع ببرند. علاقه‌مندی پادشاهان صفوی و شخصیت‌های حکومتی این دوره به زیارت آستان مقدس ثامن الائمه (علیه السلام) و توسل و استمداد از ایشان، موجب گردیده بود تا مورخان این دوره همانند دوره‌های پیشین تاریخ ایران دوره اسلامی که تقریباً تمامی توجه آنها به تاریخ سیاسی و گزارش زندگانی پادشاهان بوده است، به ذکر این تعامل‌ها بپردازند؛ تعامل‌هایی که با ابراز علاقه و اظهار ارادت از طرف این افراد نسبت به بارگاه امام رضا (علیه السلام) همراه بوده است.

اهمیت این موضوع علاوه بر آشنایی با پیشینه تاریخی جایگاه آستانه مقدسه رضوی و میزان توجه به آن مکان در ادوار مختلف تاریخی، از این حیث نیز قابل توجه است که نقش این مکان مقدس را در گسترش تشیع در این دوره نشان می‌دهد. همچنین، این پژوهش می‌تواند نشانگر ابراز ارادت‌های صفویان به امام هشتم و بارگاه مطهر ایشان باشد.

در این تحقیق سعی خواهد شد با پرداختن به نقش بارگاه مطهر رضوی در روند گسترش تشیع توسط پادشاهان صفوی، تصویری منطقی و روشن از این موضوع ارائه شود. همچنین با تکیه کامل بر تاریخ نگاری عصر صفوی، نقش و جایگاه حرم مطهر رضوی در جریان گسترش تشیع در ایران بررسی و سیاست‌های مذهبی صفویان با تکیه بر نقش و جایگاه این مکان واکاوی خواهد شد.

پس از بررسی‌های مفصل درباره پیشینه این تحقیق، مشخص شد پژوهشی که مستقل به این موضوع پرداخته باشد، تاکنون انجام نشده و حتی موضوعات نزدیک

به این بحث نیز یافت نشد. در نهایت، سه مقاله با عنوان‌های «درآمدی بر شناخت کتیبه‌های دوره صفوی حرم امام رضا (علیه‌السلام)» (حسینی، ۱۳۸۰)، «سیاست مذهبی صفویان و پیامد آن بر توسعه موقوفات حرم امام رضا (علیه‌السلام)» (طلایی، ۱۳۹۷) و همچنین یک پایان‌نامه با عنوان «رشد و گسترش تشیع در شمال خراسان از آغاز تا پایان دوره صفویه» (ولی زاده، ۱۳۸۲) یافت شد. چنان‌که از عنوان‌های این پژوهش‌ها نیز مشخص است، ارتباط موضوعی اندکی با نوشتار حاضر دارند. اما به هر حال، از درون این تحقیق‌ها مطالبی هر چند اندک می‌توان یافت که با این پژوهش مرتبط است.

### جایگاه حرم مطهر رضوی در بین شیعیان ایران قبل از صفوی

پس از شهادت امام رضا (علیه‌السلام) آرامگاه مطهر ایشان همواره به‌عنوان یک مکان مقدس شناخته می‌شد. با وجود دولت‌های سنی‌مذهب که یکی پس از دیگری در ایران به حکومت می‌رسیدند، فضای سیاسی مذهبی اجازه نمی‌داد این مکان به لحاظ تعداد زائر و امکانات محل، توسعه یابد. بارگاه مطهر رضوی از خرابی‌های دوران پیش از صفویه نیز در امان نماند و چند نوبت به دلایل تعصبات مذهبی و زیاده‌خواهی‌های سیاسی، تخریب شد. یک نمونه از آن، تخریب گنبد حرم امام رضا (علیه‌السلام) توسط سبکتکین بود که البته توسط پسرش سلطان محمود غزنوی دوباره تعمیر شد (فاضل بسطامی، ۱۳۹۳: ۷۹ و ۸۰). همچنین در دوره سلجوقی و سال ۵۴۸ هجری هم با حمله ترکان غز، آسیبی به حرم مطهر وارد شد که چند سال بعد و در دوره سلطان سنجر ترمیم شد. بنا به نوشته ابن ابی‌الحدید، در جریان حمله مغولان، آنها مشهدی را که علی بن موسی‌الرضا (علیه‌السلام) و هارون در آنجا بودند، از جای کردند (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۹۰، ج ۸: ۲۴۱)؛ هرچند عطاملک جوینی در ذکر حمله مغولان به آن منطقه چیزی از تخریب این مکان نقل نمی‌کند (جوینی، ۱۳۶۷: ۱۱۵).

اما با تشکیل دولت صفوی و سیاست مذهبی که آنها در پیش گرفتند، این مکان به سرعت توسعه یافت و زائران فراوانی برای زیارت این مکان وارد آنجا می‌شدند. در دوره صفویه، بارگاه مطهر امام رضا (علیه‌السلام) به قدری توسعه یافت که به هیچ وجه قابل مقایسه با ادوار قبل از خود نبود.

### جایگاه معنوی حرم رضوی در منابع تاریخی دوره صفویه

در دوره صفویه جایگاه حرم مطهر رضوی نه به عنوان مرقد مطهر حضرت علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) بلکه به مثابه مکانی برای تبلیغ مذهب تشیع اثناعشری، مورد توجه بود زیرا اساس حرکت صفویان به سمت ترویج تشیع، بر پایه تبیین هر چه بیشتر جایگاه والای ائمه (علیهم السلام) و جلب محبت روزافزون مردم به سوی ایشان، استوار بود.

پادشاهان دوره صفوی ترویج مذهب تشیع را اولویت اول خود قرار داده و آن را مهم‌ترین وظیفه خود تلقی می‌کردند. آنها برای ترویج تشیع و تبیین جایگاه اهل بیت (علیهم السلام) برای مردم، با شناسایی راه‌های مقبول و منطقی برای رسیدن به این هدف، عوامل حکومتی، فقهای شیعه، تاریخ‌نگاران و عامه مردم را ترغیب می‌کردند تا در این راه مددکار آنان باشند.

شایان ذکر است، در جریان تبیین جایگاه اهل بیت (علیهم السلام) امام رضا (علیه‌السلام) دارای جایگاه ویژه‌ای در این دوره بوده است. سه دلیل موجب این منحصر به فرد بودن شده بود. نخست، مرقد مطهر امام رضا (علیه‌السلام) در درون مرزهای قلمرو صفویان واقع و دسترسی به آن آسان تر بوده و مردم به لحاظ ارتباط فیزیکی و معنوی با این مکان می‌توانستند علقه‌های بیشتری داشته باشند. افزون بر این، ذکر کرامات و معجزاتی که در حرم مطهر صورت می‌گرفت و حاجت‌هایی که در آنجا اجابت می‌شد نیز موضوع مناسبی برای ترغیب مردم به سوی این مکان

بوده است. دوم، صفویان خود را از اولاد امام موسی کاظم (علیه‌السلام) می‌دانستند و این امر مورد پذیرش مردم نیز بود (تشکیک دربارهٔ سیادت صفویان در دوره معاصر انجام شده است). از این حیث نیز قطعاً توجه ویژه پادشاهان صفوی جهت اعتلای جایگاه این مکان می‌توانست به جریان رو به رشد تشیع کمک کند. نکته سوم نیز مربوط به مدفون نمودن تعداد زیادی از افراد سرشناس سیاسی و مذهبی این دوره در این مکان مقدس است که متعاقباً از این لحاظ که دفن شدن در حرم امام معصوم به لحاظ ارزشی، به‌تنهایی، مؤید جایگاه والای ائمه (علیهم‌السلام) در مذهب تشیع و ارتقای توجه به این حضرات به‌عنوان انسان‌های برگزیده‌ای که در روز جزاء شفیع شیعیان و محبان خویش خواهند بود، می‌توانست در ترویج فرهنگ شیعی بسیار مؤثر باشد.

در بیان ارزش و عظمت بارگاه امام رضا (علیه‌السلام) مورخان دوره صفوی مطالب زیادی ذکر کرده‌اند که در اینجا تنها به چند مورد از آنها و از جمله حدیثی که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) دربارهٔ ارزش زیارت این مکان فرموده‌اند - که به نظم درآورده شده و در برخی کتاب‌های تاریخی این دوره ذکر گردیده - اشاره می‌شود.

یک طواف درش از قول رسول مدنی  
تا به هفتاد حج نافله یکسان آمد  
(حسینی قمی، ۱۳۵۹، ج ۱: ۱۰۸؛ ترکمان، ۱۳۸۷، ج ۲: ۶۱۱)

قاسمی حسینی گنابادی نیز در کتاب «شاه‌اسماعیل نامه» این ابیات را در مدح آستانه مقدسه ذکر کرده است:

تمنا کند کعبه از آستان  
که خود را کند فرش آن راستان  
(حسینی گنابادی، ۱۳۸۷: ۳۲۲)

این ارزش و اعتبار بارگاه امام رضا (علیه‌السلام) در دوره صفوی که در آثار تاریخ‌نگاران این دوره هویدا است، مورد تأیید جهانگردان اروپایی - که در آن سال‌ها در ایران حضور داشته و مشاهدات خود را در قالب سفرنامه‌هایی ذکر کرده‌اند - نیز بوده است.

«انگلبرت کمپفر» یکی از این افراد است که در این ارتباط می‌نویسد:

«برجسته‌ترین، بزرگ‌ترین و زیباترین مقابر متبرک ایران بدون تردید اینها هستند؛ اول حرم امام هشتم حضرت امام رضا (علیه‌السلام) در مشهد؛ دوم حرم خواهرش حضرت معصومه (س) در قم و در مرحله سوم بقعه شیخ صفی در اردبیل» (کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۳۶).

جالب‌تر از نظرهای تاریخ‌نگاران وابسته به حکومت صفوی و سفرنامه‌نویسان بی‌طرف، سخن «روزبهان خنجی» نویسنده اهل سنت دوره صفویه است که در کتاب «مهمان‌نامه بخارا» تمجیدی عظیم از حرم مطهر امام رضا (علیه‌السلام) دارد:

«روزبهان خنجی» در بخشی مستقل با عنوان «ذکر فضیلت زیارت امام علی بن موسی سلام‌الله علیه و تحیه و رضوانه» می‌نویسد: «زیارت قبر مکرم و مرقد معظم حضرت امام ائمه الهدی سلطان الانس و الجن امام علی بن موسی الرضا... موجب حیات دل و جانست مرادات همه عالم از آن درگاه با برکات حاصل و فی‌الواقع ربع میمونش توان گفت که از اشرف منازل است» (روزبهان خنجی، ۱۳۴۱: ۳۳۶).

یکی از نکات مهم در سیاست مذهبی پادشاهان صفوی توجه فراوان آنها به آستانه مقدسه امام رضا (علیه‌السلام) است. از همین روست که شاه طهماسب زمانی که می‌خواهد مشاهد مبارکه و مکان‌های مقدس را از غبار مناهی پاک سازد اولویت را بر مشهد مقدس امام رضا (علیه‌السلام) قرار می‌دهد. مؤلف «خلاصه التواریخ» انگیزه و تصمیم شاه طهماسب را برای این اقدام این‌گونه نقل می‌کند: «خلوص عقیدت و ولای آن شاه مؤمنان پناه اقتضا نمود که ساحت مشاهد مقدسات بل حواشی عتبات عالیات سدره مرتبات که مطرح انوار فتوحات عالم بالا و قبله‌گاه کروبیان ملأ اعلی است، خصوصاً روضه منوره و مشهد معطر حضرت امام مفترض الطاعه واجب‌العصمه سلطان الاولیاء و برهان الاتقیاء افضی من قضی بعد جده المصطفی و ابیه علی المرتضی صاحب الصبر و التسلیم و الرضا امام الجن و الانس سلطان علی بن موسی الرضا علیهما التحیه و الثناء از غبار منهیات

و آرایش مکروهات منزّه و مصفا باشد.» (حسینی قمی، ۱۳۵۹، ج ۱: ۳۸۰).

### سیاست مذهبی پادشاهان صفوی و حرم مطهر رضوی

پادشاهان صفوی برای دستیابی به هدف اصلی خود، یعنی ترویج تشیع، حساب ویژه‌ای روی معنویت حاکم بر حرم امام رضا (علیه‌السلام) و جاذبه‌ای که می‌توانست در گردآوری شیعیان و تحکیم پایه‌های اعتقادی داشته باشند، باز کرده بودند. جهش یکباره توجه به این مکان و استفاده از آن در ترویج تشیع در این دوره، بازتاب‌های زیادی داشته است که می‌توان آن را به‌صورت ملموس و گاه آماری نیز مورد سنجش و مقایسه با ادوار قبل از خود قرار داد.

اگر بخواهیم به‌طور خلاصه، عوامل ارتقای جایگاه حرم مطهر رضوی در دوره صفویه را بررسی کنیم، باید از مهم‌ترین عامل این ترقی، یعنی سیاست مذهبی پادشاهان صفوی، سخن به میان آوریم که همه چیز را در دوره صفوی به‌نوعی تحت‌الشعاع خود قرار داده بود.

شواهدی در اختیار داریم که ما را به این موضوع رهنمون می‌سازند که شاه‌اسماعیل از مدت‌ها پیش از فتح نقاط مختلف ایران، تمایل زیادی برای رهایی مشهد مقدس از دست بیگانگان داشته است. علاوه بر تمایلات مذهبی او برای تلاش در این راه، آنچه به بحث اصلی ما مربوط می‌شود این است که او به‌خوبی درک کرده بود که بدون دستیابی به چنین مکانی که مورد توجه شیعیان ایران است، اقدام‌های فرهنگی او کارایی مورد انتظار را نخواهند داشت.

### زیارت امام رضا (علیه‌السلام)

یکی از کارآمدترین و زودبازده‌ترین موضوعات در جریان ترویج تشیع در عصر صفوی،

زیارت اماکن مقدس شیعی بود. صفویان با جدیت فراوان فرهنگ زیارت را ترویج می‌کردند. بدون اینکه قصد نفی رونق این امور در دوره پیش از صفویه را داشته باشیم، باید گفت در این دوره، این مهم، جنبه عمومی به خود گرفته و به لحاظ کمی گسترش فوق‌العاده‌ای یافت و با ورود علما به صحنه امور مذهبی کشور و قدرت‌گیری آنها در این دوره و در کنار آنها، مداحان و تبرائیان، زمینه را برای آشنایی بیشتر مردم با این امور فراهم ساختند و نتیجه آن شد که اماکنی مانند مشهد مقدس امام رضا (علیه‌السلام) مورد توجه روزافزون قرار گرفت. توجهی که توأم با اخلاص‌ورزی‌های فراوانی بوده است. گزارش‌های تاریخی مؤید اعتقاد همگانی به مقام والای حضرت علی‌بن موسی‌الرضا (علیه‌السلام) است که در احترام ورزیدن‌های مردم و مقامات حکومتی به این آستان مقدس، جلوه‌گری می‌کرد.

ظاهراً اولین زیارت‌خاندان صفوی در کسوت پادشاهی، مربوط به شاه‌اسماعیل و زمانی که برای نبرد با شییک‌خان ازبک آماده می‌شد، بوده است. حدوداً از یک سال قبل از آغاز جنگ، نامه‌هایی تند همراه با تهدیدها و تحقیرهایی بین شاه‌اسماعیل و خان ازبک رد و بدل می‌شد. اسکندریگ ترکمان با ذکر محتوای این نامه‌ها، شرایط قبل از رویارویی را چنین بیان می‌کند:

«خاقان سلیمان شأن دو سه مرتبه رسولان سخندان سیما شیخ‌زاده لاهیجی را که از مشاهیر مستعدان روزگار بود، به رسالت فرستاده، به ترک فتنه و ستیز دلالت نمودند. او از بخت‌برگشتگی در جواب، سخنان خشونت‌آمیز نوشته، لاف‌های گزاف زد و اظهار نموده بود که گزاردن حج اسلام در دل رسوخ دارد آیا وعده ملاقات در کدام محل خواهد بود. خاقان سلیمان شأن نیز جواب مکتوب بر نهج مرغوب نوشته فرستادند که ما را نیز طواف مرقد منور حضرت امام الجن و الانس در دل رسوخ دارد. ان‌شاءالله وعده ملاقات در مشهد مقدس معلی است.» (ترکمان، ۱۳۸۷، ج ۱: ۳۷). مؤلف کتاب «مرآت واردات» نیز این وقایع را از زاویه‌ای دیگر نگریسته و هدف اصلی شاه اسماعیل را زیارت مضجع شریف امام هشتم بیان کرده می‌نویسد:



«جهت زیارت جدّ بزرگوار ... اعنی حضرت علی بن موسی الرضا علی التحیه و الثنا اراده این احقرالعباد تصمیم پذیرفته از آنجا که مشهد مقدس طوس در ضلعه توابعات قلمرو ایشان است یقین که جهت دید وادید، حرکت از مستقرالسلطنه هرات به صوب مقام نزول اینجانب بلاترد خواهند فرمود.» (طهرانی، ۱۳۸۳: ۸۲ و ۸۳)

شاهطهماسب نیز با توجه به روحیات مذهبی و علاقه فوق‌العاده‌ای که به خاندان عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) داشت، به دفعات به زیارت این آستان مقدس شتافت. عبدی بیگ درباره زیارت رفتن شاه طهماسب می‌نویسد: «شاهطهماسب از جام به مشهد مقدس رضوی آمده به دولت زیارت عتبه علیه و سده سدره مرتبه رضیه رضویه علی من حلّ فیها الف صلوة و تحیه کل آن و حین من الله و الملائکه و الناس اجمعین مشرف گشته چند روز در آن آستان فلک آشیان قیام فرمود» (عبدی بیگ، ۱۳۶۹: ۸۸)

در دوران حکومت شاهطهماسب، علاوه بر خود او یک مقام عالی‌رتبه دیگر، یعنی همایون، پادشاه هند نیز به زیارت امام رضا (علیه‌السلام) رفت که تاریخ نگاران این دوره در کتاب‌هایشان به آن اشاره داشته‌اند. قاضی احمد قمی شرح این زیارت را به این صورت به نگارش درآورده است:

«حضرت پادشاه (همایون پادشاه هند) ... متوجه زیارت عتبه عرش منزلت امام مفترض الطاعه واجب العصمه ثامن الائمه الاطهار و سابع قبله الابرار افضی بعد جده المصطفی و ابیه المرتضی امام الجن و الانس سلطان ابوالحسن علی بن موسی الرضا گردیده و چون نظر اطهرش بر مرقد خلف خیرالبشر فتاد، روی اخلاص بر آن آستان قبله ارباب اختصاص نهاده، قطرات اشک از فواره دیده روان گردانید.» (حسینی قمی، ۱۳۵۹، ج ۱: ۳۰۶ و ۳۰۷)

زیارت مشهد رضوی به دلیل توجه شاه‌اسماعیل و شاهطهماسب و اقدام‌های آنها در توسعه، نوسازی و تأمین مایحتاج زوار، به‌ویژه در زمانی که آرامش در خراسان برقرار و قوای ازبک عقب رانده شده بودند، به شکل یک سنت مذهبی مهم، مورد توجه

مردم و سایر درباریان قرار گرفت (ایزدی، ۱۳۹۵: ۱۹۶ و ۱۹۷). این سنت‌شدن، تأثیر زیادی در گرایش عموم مردم به زیارت این مکان مقدس داشته است. مردم ایران که دلباختهٔ خاندان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بودند، با حمایت و دلگرمی پادشاهان صفوی بیش از پیش در گرم نگاه‌داشتن تنور توجه به بارگاه مطهر رضوی تلاش می‌کردند. همین حضور در این محل، تبلیغی عملی برای مذهب تشیع و آموزهٔ تولّی که از ارکان تشیع است، شمرده می‌شد.

شاه‌اسماعیل دوم نیز که دربارهٔ عقاید مذهبی او سخنان ضدّ و نقیضی مطرح و حداقل برای ما مسجّل است که با تبرائیان برخورد کرده و جلو اقدام‌های آنها را گرفته است (ترکمان، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۱۳ و ۲۱۴) در دوران قبل از رسیدن به پادشاهی به زیارت حرم مطهر حضرت علی‌بن موسی‌الرضا (علیهما‌السلام) رفته بوده است.

«پیاده از آنجا احرام طواف آستان ملک مطاف بسته، از روی سکینه و وقار و تکرار صلوات و اذکار بدان مکان شریف و مشهد منیف داخل شدند. بعد از مراسم زیارت و لوازم طاعت و عبادت مضمون این مقال ادا فرمود:

ندارم جز طواف کوی تو چون مقصد دیگر  
 نبندم جز خیال روضه ات نقش دگر در دل»  
 (حسینی قمی، ۱۳۵۹، ج ۱: ۳۸۴)

همچنین، از زیارت معروف شاه‌عباس اول که با پای پیاده از اصفهان تا مشهد صورت پذیرفت، حکایت به میان آمده است که در واقع کانون اصلی توجه تاریخ‌نگاران صفوی به موضوع زیارت امام رضا (علیه‌السلام) است. در سال ۱۰۱۰ ق، شاه‌عباس از اصفهان پیاده به مشهد مقدس رفت (حسینی تفرشی، ۱۳۸۸: ۳۹). او «در عرض بیست و هشت روز آن مسافت بعیده را قطع فرموده هم‌عنان مراحل توفیق داخل شهر مشهد مقدس معلی و روضه مطهر مزکی شده بادراک سعادت طواف و زیارت آن مرقد منور و مشهد معطر فایز گشته.» (ترکمان، ۱۳۸۷، ج ۲: ۶۱۱).

زیارت بارگاه مطهر علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) توسط شاه عباس دوم (۱۰۵۳ - ۱۰۷۷ هجری) و نیز توقف پنجاه روزه او در مشهد در تاریخ‌نگاری عصر صفوی منعکس شده است. وحید قزوینی در «عباس‌نامه» این سفر را این گونه شرح می‌دهد:

«قرب پنجاه روز که مشهد مقدس مقرر ایات دولت و اعلام اقبال بود اکثر اوقات به زیارت آستانه مقدسه که بر ذمت اعتقاد فرض بود اقدام می‌نمودند» (وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۱۰۴ و ۱۰۵). «واله قزوینی اصفهانی» نیز در این مورد می‌نویسد: «در مدت پنجاه و چهار روز که آن ارض مقدس محل نزول خسرو جهانگشای بود اغلب اوقات به دریافت موهبت زیارت و طواف آن روضه ملایک مطاف و دعا و طلب حاجات قیام و اقدام می‌نمودند.» (واله قزوینی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۴۵۸).

مؤلف «زبده‌التواریخ» هم اخباری از زائر حرم رضوی شدن سلطان حسین (۱۱۳۵ - ۱۱۰۵ هجری) به این نحو گزارش می‌دهد: «در سنه ۱۱۱۸ هجری موبک همایون به عزم زیارت وارد مشهد مقدس گردیده، مدت چهار ماه در مشهد مقدس توقف نموده...» (مستوفی، ۱۳۷۵: ۱۱۶).

### استمداد از امام رضا (علیه السلام) در انجام امور مهم

بارگاه مطهر امام رضا (علیه السلام) مهم‌ترین و ارزشمندترین مکانی بود که یک فرد شیعه در داخل ایران می‌توانست برای رفع حاجات خود دست نیاز به دامن صاحب روضه متبرکه دراز کند. در هیچ دوره‌ای از تاریخ ایران اسلامی تا عصر صفویه، بارگاه مطهر رضوی به اندازه دوره حاکمیت صفویان رونق نداشته است. رونق یادشده همراه با حضور مردمی که تحقق آمال خود را به دست امام رضا (علیه السلام) می‌دیدند، چشم‌نوازتر می‌شد. همین امر به نوبه خود موجب ترویج گسترده تشیع و به‌طور مشخص، فرهنگ زیارت قبور ائمه (علیهم السلام) و توسل به ایشان می‌شد.

تضرع شاه اسماعیل به درگاه امام رضا (علیه السلام) و مددجویی از ایشان قبل از

جنگ، یکی از این موارد است که خورشاه بن قباد الحسینی آن را این گونه به قلم آورده است: «به شرایط زیارت مشهد مقدس و مرقد منور سلطان الاولیاء، امام الانس و الجن، علی بن موسی الرضا علیه التّحیّه و الدعا اقدام نموده، در آن مکان متبرک دست تضرع و ابتهال به دعا برداشته و از حضرت ذوالجلال فتح و نصرت مسئلت فرمود و... بعد از تقبیل آستان به سوی خصم روان شد.» (خورشاه بن قباد الحسینی، ۱۳۷۹: ۴۹).

مؤلف «لبّ التّواریخ» هم نمونه‌ای از این استمدادهای شاه اسماعیل از علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) را به این صورت شرح می‌دهد: «حضرت اعلی با جمیع امرا و عساکر بعد از تشرف به شرف زیارت حضرت امام علی بن موسی الرضا صلوات الله و سلامه علیه و علی آبائه الکرام استمداد همت از آن آستان ملائک آشیان نمود.» (حسنی قزوینی، ۱۳۱۴: ۲۵۱).

در کتاب «خلاصه التّواریخ» نیز در این ارتباط از شاه طهماسب سخنی به میان آمده است. «خسرو فریدون فر به مشهد مقدس معلی مزکی خود را رسانیده، احرام زیارت و طواف مرقد منور امام مفترض الطاعه واجب العصمه، صاحب التسلیم و الصبر و الرضاء امام الجن و الانس ابوالحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله و سلامه علیهما.

هفتاد حج نافله یک طوف مرقدش  
بهتر ز خلد، روضه پاکش هزار بار  
بسته، بدان سعادت سرافراز گشتند و از روحانیت آن حضرت (علیه التّحیّه و الثناء) و  
حضرات ائمه هدی (علیهم السلام الله الملک الاعلی) استمداد همت نموده...» (حسینی  
قمی، ۱۳۵۹، ج ۱: ۱۷۸ و ۱۷۹).

تاریخ‌نگاران دوره صفوی علاوه بر پادشاهان، از دعا و توسل سرداران و بزرگان حکومت صفوی به درگاه امام رضا (علیه السلام) نیز سخن به میان آورده‌اند. توسل و اظهار ارادت حسام‌بیگ، سردار شاه اسماعیل به جانب امام رضا (علیه السلام) نمونه‌ای از این توسل‌هاست.

«چون حسام‌بیگ از قلعه بیرون آمد، روی کرد به جانب مشهد مقدس حضرت امام

رضا (علیه‌السلام) و به مناجات درآمد و گفت: یا امام غریب! ما غریبیم و ملازمان تو غریب‌نوازند. یا حضرت! مدد و معاونی نداریم به غیر از حضرت تو.» (مؤلف ناشناخته، ۱۳۶۳: ۳۹۷).

### ذکر کرامات و امور فرامادی

معجزات و کرامات نقل شده از ائمه (علیهم‌السلام) اغلب موجب ارتقای ایمان شیعیان به حقانیت این مذهب و جایگاه فرابشری امامان می‌شود. خاستگاه صوفیانه پادشاهان صفوی و رونق ذکر کرامات و امور فرامادی در دوره صفوی در بین مردم که از دوره حمله مغول به بعد در ایران گسترش یافته بود، از عوامل مؤثر در پذیرش آسان‌تر این امور از سوی مردم بود.

آنچه به بحث ما مربوط می‌شود، سهم تأثیر نقل این نوع مسائل در گسترش مذهب تشیع و جایگاه حرم مطهر رضوی است. مسلماً مردم با دیدن معجزات و شنیدن اخبار مربوط به کرامت‌های رخ داده در این مکان و رؤیاهای و مکاشفاتی که سایرین داشته‌اند، به‌طور طبیعی به مذهب تشیع که در درون خود چنین قدرت‌های فوق بشری را دارد که با توسل به امام، مشکلات بزرگ از طرق غیرمادی حل می‌شوند، گرایش بیشتری می‌یافتند. بخش قابل توجهی از ذکر امور فرامادی در دوره صفویه، مربوط به ارتباط پادشاهان صفوی با امام رضا (علیه‌السلام) در وجوه مختلفی است که وجه غالب آن با تکیه بر مضجع شریف حضرت و مرکزیت حرم مطهر رضوی در این نوع امور است. از جمله این موارد، اظهار حضور امام رضا (علیه‌السلام) برای یاری سپاهیان است که توسط شاه‌اسماعیل ذکر شده است:

«چون شهریار جم قدر دید که جوانان دست راست و دست چپ در میان سپاه از یک غوطه خوردند، آن حضرت دید که از طرف مشهد مقدس معلی گردی برخاست. روی کرد به مردم قلب که الحمدلله و المنه که حضرات علیهم‌السلام تشریف آوردند

و آن شهریار سجده کرد و شمشیر جهانگشای را قبضه گرفت و...» (مؤلف ناشناخته، ۱۳۶۳: ۴۴۳).

ماجرای سیدمختار عالم اهل جبل عامل که برای تبلیغ تشیع در دوران ایلخانان به ایران آمده بود نیز جریان قابل تأملی است که در تاریخ‌نگاری عصر صفوی منعکس شده است. اصل ماجرا از زبان سیدمختار نقل شده است: «مردم گفتند: ای حضرت خطیب (سیدمختار) در چه اراده‌ای؟ گفت: خطبه می‌خوانم. پرسیدند که: چه خطبه؟ گفت: خطبه ائمه اثنی عشر؛ هنوز عشر را تمام نکرده بود که ریختند و او را از منبر به زیر آوردند و از مشتم و لگد او را هلاک کردند و سلطان روی کرد به میرعلیشیر که چه کنم با مردم هرات؟ او از روی تعصب گفت: اگر خواهی که پادشاهی را از دست به در نکنی، می‌باید به این فکر نیفتی و الا بگذار تا ببینیم چون می‌شود و این کار از پیش نرفت. سیدمختار چون آن سخن شنید، از بسیاری غم و اندوه بر خود بلرزید و نا امید شد و با خود گفت: من این همه راه را از جبل عامل آمده‌ام به امید رواج مذهب و حال دیگر روی آن ندارم بروم. چه کنم؟ و روی کرد به جانب مشهد مقدس و گفت: یا امام! راهی پیش من بگذار که چه کنم و به کجا روم؟ چون شب شد، در خواب نور پاک حضرت امام رضا (علیه‌السلام) را دید و آن حضرت گفت: ای سیدمختار! در سبزه‌وار بوده باش ... صبر کن که تا هفده سال دیگر در این ملک خطبه ما را خواهی شنید.» (مؤلف ناشناخته، ۱۳۶۳: ۲۸۷ و ۲۸۸).

همچنین ماجرای از استمداد شاه اسماعیل از امام رضا (علیه‌السلام) و مکاشفه‌ای که رخ داده نیز ذکر شده است که پس از فتح مشهد، شاه اسماعیل خواست به جانب هرات لشکرکشی کند، اما امرای قزلباش از او خواستند برای مدتی در این شهر بماند و سپس برای جنگ به هرات برود که شاه اسماعیل در جواب گفت: «حضرت فرمود عریضه‌ای بنویسیم و رخصت این جنگ در آن عریضه طلب نمایم و در حضور شما همراه نوشته را ببریم و در بالای صندوق فیض آثار حضرت امام (علیه‌السلام) بگذاریم و در روضه را قفل نموده شماها کشیک بدارید با تمام امرا. فردا در حضور شما برویم بر سر عریضه؛ اگر حضرت رخصت داده باشند دیگر چه به از این و اگر جواب

نداده باشند، برگردیم برویم به جانب عراق. امرا تمام دعای شاه را به جای آوردند و نوشتند آن عریضه را به همین مضمون که: «عرضه داشت غلامان به اخلاص این درگاه اسماعیل و قزلباش - کلهم اجمعین - به عرض بندگان درگاه می‌رسانند که اراده جنگ شاه‌ی بیگ داریم. امر حضرت است که در این زودی برویم بر سر شاه‌ی بیگ یا صبر کنیم تا وقت دیگر، امر امام چیست؟ امر اعلی. و چون عریضه را نوشتند، شاه با امرا آمدند به روضه مطهر مقدس و آن عریضه را در بالای صندوق آن حضرت گذاشتند و طواف آن مرقد مطهر نموده بیرون آمدند و هر دو را بستند و قفل کردند و در را مهر زدند تا صباح در آن روضه انور به زیارت و نماز و دعا مشغول بودند. چون آفتاب سر زد، آن شه‌ریار عالی‌مقدار در را گشوده، با امرا آمدند و عریضه را برداشتند و دیدند که در ظهر آن عریضه به خط سبز نوشته که: «رخصت است. بروید که فتح و نصرت با شماست» (مؤلف ناشناخته، ۱۳۶۳: ۲۹۲ و ۲۹۳).

همچنین از جمله کرامات مطرح‌شده در این دوره، ارتباط و دیدار افراد با امام رضا (علیه‌السلام) در عالم رؤیاست. از جمله آنها مطلبی است که در کتاب «خلاصه‌التواریخ» آمده است: «در آن حین شخصی از مؤمنین در آن روضه عرش‌منزلیت، آن حضرت را - سلام‌الله‌علیه - به خواب دیده که متوجه ولایت جام شده. آن شخص از آن حضرت (علیه‌السلام) سؤال کرده که با حضرت به کجا می‌روید؟ در جواب فرموده‌اند که به مدد طهماسب می‌روم.» (حسینی قمی، ۱۳۵۹: ۱۸۳ و ۱۸۴).

از دیگر معجزات نقل‌شده می‌توان به سخنان سیده‌ای اشاره کرد که می‌خواهد معجزه‌ای از حضرت تشریح کند تا برای خادمان بارگاه مطهر رضوی نشانه‌ای آشکار باشد و به قول خود او: «بر خادمان عالی‌شان با نام، نشان آن روض مقدس، صورت احوال معین و مبین گردد».

در کتاب «شرفنامه» و در قسمت متفرقات، در نامه‌ای با عنوان «در تبصره ضعیفه‌ای سیده نوشته» این عبارات درباره یکی از معجزات امام رضا (علیه‌السلام) که به احتمال زیاد مربوط به دوره شاه‌طهماسب صفوی بوده، دیده می‌شود.

«این ضعیفه سیده را ضعف دیده پدید آمده و به نابینایی کشیده و مدتی مدید از نور دیده محروم گردیده و اطبا و کحالان در بی‌علاجی متفق اللفظ و الکلمه بودند، تا شبی حضرت سلطان الاولیا و برهان الاصفیا، نور دیده انس و جان، جان جهان، جهان جان، پناه هر بینا و عمیا، شاه روضه رضا، امام کامل عالم، علی بن موسی الکاظم - علیهم الصلوات و السلام و التحیه و الاکرام - را به خواب دید که دست مبارک بر چشم مالید و فی الفور روشن شدم. اکنون استدعا دارم که هر کس خصوصاً اطبا و کحالان که مرا نابینا دیده بودند و بر صورت حالم اطلاع حاصل نموده، به مقتضای (ولا تکتّموا الشهاده) شهادت خود را در این صفحه مرقوم گردانیده تا ارباب یقین و اصحاب شک را تبصره و تذکره باشد و بر خادمان عالی‌شان با نام، نشان آن روض مقدس، صورت احوال معین و مبین گردد». (لاری شیرازی، ۱۳۸۹: ۳۸۹ و ۳۹۰).

### توبه و اعتکاف در آستان مقدس رضوی

ظاهراً در دوره صفوی بارگاه مطهر امام رضا (علیه‌السلام) محلی برای اعتکاف و توبه و بسط‌نشینی‌ها بوده است. اگر فرد اول حکومتی در مکانی مقدس اعتکاف چندروزه و گاه چندماهه داشته باشد، بی‌گفتگو مشخص است که در رواج این موضوع تا چه اندازه تأثیر مثبت می‌تواند داشته باشد. پادشاهان صفوی با حضور طولانی‌مدت در حرم امام رضا (علیه‌السلام) علاوه بر آنکه نشان می‌دادند خود عامل به چنین اموری هستند، راه را برای منکران چنین اموری می‌بستند و از حاضران در این مکان و معتکفان آنجا حمایت روحی و معنوی می‌کردند.

این نوع ارتباطات با مهم‌ترین مکان مقدس شیعی در ایران، موجب می‌شد که مذهب تشیع که در دل خود ذکر و دعا را به‌عنوان عناصری قدرتمند در اختیار دارد، تقویت شود. اصولاً فرهنگ شیعی آمیخته با ارتباط معنوی بین شیعه و امامان خود است که در عصر غیبت با توجه به سفارش‌های ائمه (علیهم‌السلام) به انابه و برقراری رابطه از طریق ادعیه موجود، این نوع تعاملات مورد تأکید بیشتری قرار



می‌گیرند. حکومت صفوی با بهره‌گیری از این مقوله، تلاشی هدمند برای ترویج هر چه بیشتر تشیع انجام دادند. توبه و اعتکاف سلاطین صفوی و دیگران در تاریخ نگاری این دوره به خوبی نمایان شده است. از جمله آنها می‌توان به توبه شاه‌طهماسب اشاره کرد. او در اوان جوانی توبه‌ای کرد که آثار مثبت بسیاری برای مردم ایران در دوره صفوی و حتی پس از آن در پی داشت. محل این توبه معروف در حرم رضوی و در کنار مضجع شریف بوده است. سبزواری در «روضه‌الانوار عباسی» شرحی از شرایط این توبه را به این نحو ارائه می‌دهد.

«تفاقاً، در آن شب جذبه‌ای از جذبات الهی بر دل آگاهی و خاطر خیرخواه آن پادشاه عالم‌پناه رسید ... خطاب (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا) را از ته دل جواب لَبیک گفته، به جهت ندامت و پشیمانی بر ایام ماضی از سر عجز و تضرع و زاری و گریه و بی‌قراری، در آن روضه شریفه روی به درگاه حضرت باری آورده، صیغه توبه را ادا نمود و حضرت امام (علیه‌السلام) را گواه ساخت.» (سبزواری، ۱۳۷۷: ۱۶۸).

اما خود شاه‌طهماسب در تذکره‌اش جریان توبه در کنار مضجع شریف امام هشتم (علیه‌السلام) را این‌گونه توضیح می‌دهد که: «همان شب در واقعه دیدم که در بیرون پنجره پایین پای حضرت، امام الضامن امام رضا - علیه الف الف التحیه و الثناء - دست سیادت‌پناه میرهای محتسب را گرفته، از شراب و زنا و جمیع مناهی توبه کردم.» (شاه‌طهماسب صفوی، ۱۳۶۳: ۲۹ و ۳۰).

تاریخ‌نگاران عصر صفوی از معتکفانی خبر می‌دهند که این آستانه مقدسه را مکانی برای راز و نیاز انتخاب می‌کردند و مدت مدیدی در آنجا سکونت می‌گزیدند. یکی از این افراد، امیر معزالدین اصفهانی، عالم معروف عصر صفوی، بود. مؤلف «احسن‌التواریخ» درباره اعتکاف او در بارگاه رضوی می‌نویسد: «در روضه عرش مرتبه رضویه، معتکف گشته اوقات خود را صرف افاده علوم دینی و طاعات و عبادات می‌فرمود.» (روملو، ۱۳۵۷: ۴۰۵ و ۴۰۶).

## وقف، نذر و تجهیز بارگاه مطهر

پادشاهان صفوی که پیشگامان گسترش فرهنگ شیعی در جامعه بودند، از بزرگ‌ترین واقفان محسوب می‌شدند. همین امر موجب تشویق امرای محلی دوره صفوی نیز می‌شد. بسیاری از وقف‌نامه‌ها به نام همین حاکمان محلی در دوره صفویه است.

با رسمیت یافتن آیین تشیع، نهاد وقف در ایران در خدمت این آیین قرار گرفت و کاری را که قزلباشان برای اشاعه تشیع در جامعه آغاز کرده بودند، با شیوه‌ای دیگر دنبال کرد (احمدی، ۱۳۹۰: ۴۸). در این دوره، بیشترین موقوفات در جهت تبلیغات مذهبی قرار داشت. در وهله اول وقف بر مزار امامان (علیهم‌السلام) و امامزادگان، بیشترین موقوفات را به خود اختصاص داده بود (عقیلی و طباطبایی، ۱۳۹۵: ۸۱).

مرقد مطهر امام رضا (علیه‌السلام) در مشهد، مکانی بود که بیشترین میزان وقف را در ایران به خود اختصاص داده بود. از جمله آنها موقوفاتی است که شاه‌عباس به این مکان مقدس اختصاص داده است. شاه‌عباس در یکی از سفرهایش به مشهد «آب چشمه کلت را از صاحبان خریدند و مقرر شد که آب چشمه با آب رودخانه طوس به آستانه مقدسه آورند و به تغییر دو دروازه به نهری مستقیم از صحن آستانه بگذرانند. چنانچه در صحن ایستاده دو دروازه در نظر باشد و این آب را وقف حضرت امام (علیه‌السلام) نمودند.» (ملاجلال الدین نجم، ۱۳۶۶: ۳۲۸). همچنین شاه‌عباس نذر کرده بود که پیاده از اصفهان به زیارت بارگاه رضوی برود. اسکندر بیگ ترکمان در این مورد می‌نویسد:

«چون حضرت اعلی شاهی ظلّ‌اللهی نذر فرموده بودند که یک مرتبه از دارالسلطنه اصفهان پیاده به زیارت روضه مقدس مطهر حضرت امام الجن و الانس روند، در این سال اراده خاطر اشرف به آن متعلق گشت که آن نذر را به‌وفا رسانیده بدان سعادت عظمی فایز گردند.» (ترکمان، ۱۳۸۷، ج ۲: ۶۱۰).

علاوه بر وقف و نذر بر حرم مطهر رضوی، در موارد متعددی نیز به تجهیز و

مرمت حرم توسط پادشاهان و بزرگان دوره صفوی اشاره کرده‌اند که از جمله آنها اشاره مؤلف ناشناخته کتاب «عالم‌آرای صفوی» به دستور شاه اسماعیل مبنی بر مفروش کردن و قراردادن شمعدان‌ها و قنادیل طلا در روضه مبارکه است که پس از غارت از بک‌ها، از این ملزومات تهی گشته بود.

«دانست که از بکان فرش آستان ملائک‌آشیان را تالان نموده‌اند و قنادیل طلا و نقره را با قالی و غیره برده‌اند و روی کرد به نجم ثانی که: برو امشب آستانه را فرش‌های الوان بگستر و بفرما قنادیل بسیار زرگران امشب با صفاران بسازند و شمعدان‌های ما را تمام روشن کن که فردا به زیارت جد بزرگوار مشرف می‌شوم و نمی‌توانم که آن آستانه را بی‌سامان ببینم.» (مؤلف ناشناخته، ۱۳۶۳: ۲۹۰ و ۲۹۱).

شاه طهماسب نیز خدمات عمرانی زیادی برای آستانه مقدسه امام رضا (علیه‌السلام) انجام داد. از جمله اینکه، گنبد مبارک امام رضا (علیه‌السلام) را مطلقاً کرد (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۴: ۵۴) و باروی مشهد مقدس رضویه را ساخت (روملو، ۱۳۵۷: ۶۳۵).

همچنین خود شاه‌عباس کبیر به مدت سه‌ماه خادم حرم امام رضا (علیه‌السلام) بوده است که این اقدام او مؤلف «عالم‌آرای عباسی» را به نگارش این سطور راغب ساخته است: «ماه رجب و شعبان و رمضان را که اشهر حرم و ایام و لیالی متبرکه بود در آن روضه مقدس بطاعت و عبادت گذرانیده، در لیالی جمعه و شبهای مبعث و استفتاح و برات و لیل‌القدر که افضل ایام و اشرف لیالی مشهور متبرکه است، در روضه منور معطر احیا داشته از اول شام تا طلوع آفتاب بخدمت خادمی و سر شموع گرفتن پرداخته، دقیقه از دقایق خدمتکاری فرو گذاشت نمی‌کردند» (ترکمان، ۱۳۸۷، ج ۲: ۶۱۲).

قاضی احمد قمی از احسان و خیراتی که در حق زائران و مجاوران بارگاه مطهر رضوی توسط محمدخان تکلو خبر داده، می‌نویسد: «چون خان عالی‌شان (محمدخان تکلو شرف‌الدین اغلی) عشره وقفه ذی‌حجه را در آن روضه مطهره سدره مرتبه به زیارت و عبادت و احیای لیالی متبرکه گذرانیدند، ترتیب مدفن شریف و مضجع منیف

خود در گنبد میرعلیشیر داده، سادات و خدّام و عمله و فعله آن سرکار موهبت آثار را با مدرسین و طلبه و فقرا و زوّار از تفقّدات و انعامات و تصدقات محظوظ و بهره مند گردانیده، طعام بیشتر از وسع قدرت و حیاض واقعه در صحن آن آستانه را پر از شربت قند کرده، بذل آن جماعت نمود.» (حسینی قمی، ۱۳۵۹، ج ۱: ۳۹۱).

در مورد نذورات شاهزاده سلطانم خواهر شاهطهماسب نیز نوشته‌اند: «از جواهر و نفایس و چینی آلات هر چه داشتند بعضی را نذر حضرت صاحب الزمان و خلیفه الرحمن - علیه صلوات من الله الرحمن - و پاره‌ای را نذر حضرت امام همام ضامن ثامن مفترض الطاعه واجب العصمه علیه و آبائه الصلوا و السلام و التحیه فرموده، به مشهد مقدس و روضه اقدس فرستادند.» (همان: ۴۳۱).

محمدحسن مستوفی هم که در دوره سلطان حسین می‌زیسته و مستوفی سرکار فیض آثار (یکی از نام‌های تشکیلات آستان امام رضا (علیه السلام)) بوده (مستوفی، ۱۳۷۵: ۱۴) دربارهٔ بذل و بخشش‌های سلطان حسین به خدّام آستانهٔ مقدسه حسین می‌نویسد: «وظایف و معانی و سیورغال بسیار زیاد از حد به علما و فضلا و سادات و خدمه روضات مقدسات خصوصاً خدام آستانه مشهد مقدس رضوی و سایر مردم داده ...» (مستوفی، ۱۳۷۵: ۱۱۶).

علاوه بر اینها در مورد بیرم خان بهارلو نیز آمده است که «در این سال مرحومی بیرم خان بهارلو فوت شد. بیرام خان مرد شیعه موالی بود ... پیوسته نذورات به سرکار حضرت امام الهمام مفترض الطاعه واجب العصمه ثامن ضامن سلام الله علیه و سادات و خدام و حفاظ و زوّار و طلبه آن آستانه فرستادی» (حسینی قمی، ۱۳۵۹، ج ۱: ۴۰۵).

لازم به ذکر است، غنی ترین کتابخانه ایران در عصر صفوی، کتابخانه حرم مطهر امام رضا (علیه السلام) بوده است (صفری، بی تا، ج ۳: ۲۳۲) که ظاهراً دارای کتاب‌های فراوانی از علما و مؤلفان شیعی بوده که شهر مشهد را به‌عنوان یک پایگاه علمی برای مذهب تشیع مطرح ساخته بود. در مجموع، موقوفات و نذوراتی که پادشاهان صفوی

برای اماکن مقدس شیعی و در رأس آنها حرم مطهر رضوی داشتند، سهمی بسزا در توسعه فرهنگ وقف به این نوع اماکن و به‌طور کلی اشاعه فرهنگ وقف در جامعه داشت.

### دفن مشاهیر دوره صفوی در بارگاه رضوی

یکی از نشانه‌های گسترش مذهب تشیع در دوره صفوی تقاضای فراوانی بود که برای مدفون شدن در اماکن شیعی مقدسی مانند حرم مطهر امام رضا (علیه‌السلام) و حرم امامزادگان به‌وجود آمده بود. بارگاه مطهر رضوی بیشترین و بالاترین خواسته‌ها را در این مورد به خود اختصاص می‌داد. مدفون شدن افراد مهم، اعم از سران حکومتی یا علمای مشهور، به‌نوبه خود موجب افزایش آمدوشد به این مکان مقدس می‌گشت و تأثیر زیادی در اشاعه فرهنگ زیارت داشت. به‌عنوان نمونه، به چندتن از مقامات که در این موضع شریف دفن شدند، اشاره می‌شود.

در باره مراسم کفن و دفن حیدر میرزا که رقیب شاه اسماعیل دوم برای تصاحب تاج و تخت شاه‌طهماسب بود، آمده است: «شاهزاده سلطان حیدر را نیز غسل داده چهار نفر از بیل‌داران برداشته به در آستانه مقدسه منوره سدره مرتبه امامزاده حسین - علیه و آباءه السلام - بردند که سادات آن‌جا هر جا که خواهند وی را دفن کنند. سادات او را در آستانه بر سر راه دفن کردند و بعد از دو سال والدۀ معظمه وی نبش جسد مطهر او نموده به آستان ملائک آشیان امام الجن و الانس سلطان ابوالحسن علی بن موسی‌الرضا - علیه‌السلام - نقل فرمود.» (حسینی قمی، ۱۳۵۹، ج ۱: ۶۰۶).

«پهلوان قلی سلطان و حاجم سلطان از یک ناگهان از جانب خوارزم به حوالی اسفراین آمدند. مجنون سلطان شاملو که حاکم آن دیار بود، با ایشان محاربه کرده به قتل آمد. در جنگ‌گاه سر مجنون سلطان را از بدن جدا کرده، بردند. بعد از آن جثه وی را نقل مشهد مقدس معلی مزکی نمود. در صحن آستانه مقدسه منوره سدره مرتبه

مدفون ساختند. بر لوح مزارش این بیت نقش شده:

تمم را وقت رفتن آستان دوست منزل شد      بحمدالله اگر سر رفت خوش سرمنزلی دارم»  
(همان: ۳۶۱)

منابع از دفن افراد دیگری چون بهرام‌میرزا پسر شاه‌طهماسب (بوداق منشی قزوینی، ۱۳۷۸: ۲۰۵)، شاه‌قلی خلیفه مهرداد (حسینی قمی، ۱۳۵۹، ج ۱: ۳۹۴)، میرشمس‌الدین اسدالله شوشتری صدر مشهور به شاه‌میر (عبدی‌بیگ شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۱۰)، مولانا نظام‌الدین شاه محمود زرین قلم نیشابوری (حسینی قمی، ۱۳۵۹، ج ۱: ۴۵۰) در حرم مطهر رضوی خبر می‌دهند.

برخی گزارش‌ها نیز از وصیت افراد برای دفن در آن مکان شریف حکایت دارند. رستم‌میرزا پسر سام‌میرزا: «وصیت نموده بود که نعش او را به مشهد مقدس معلی مزکی فرستند که در زمین موسوم به غسلگاه که حضرت امام همام - علیه‌الصلوات والسلام - از اجرت کتابت کلام ملک علام آن را خریده بود، وقف مقابر مؤمنین نموده او را دفن نمایند.» (همان: ۵۵۱).

### سادات و آستانه مقدسه علی بن موسی الرضا (علیهماالسلام)

سیاست مذهبی و مهم‌تر از آن، باورهای مذهبی صفویان این‌گونه ایجاب می‌کرد که آنها تلاشی هدفمند برای ارتقای جایگاه سادات که خود نیز از جمله آنان محسوب می‌شدند، آغاز کنند. در دوره صفویه سادات از موقعیت اجتماعی بالایی برخوردار بودند. دلیل این امر احترام پادشاهان صفوی و اطرافیان آنها به سادات بود. در این دوره، وجود بارگاه مطهر رضوی در شهر مشهد، موجب جذب سادات حول این مکان مقدس بوده است.

گفته شده که پس از یک رشته قتل و غارت‌هایی که از یک‌ها به رهبری

عبدالله‌خان از یک انجام دادند، یکی از فضلالی مشهد طی نامه‌ای که به دربار ازبکان نوشته، این کار آنها را تقبیح کرده و در خلال این نامه مطالبی را ذکر کرده که تجمع سادات در شهر مشهد از آن قابل استخراج و در تاریخ‌نگاری آن دوره نمایان است. مؤلف «قصص‌الخاقانی» محتوای این نامه را در کتاب خود ذکر کرده است.

«جناب خان و لشکریان ایشان، به چه دلیل و برهان محاصره بلده مشهد مقدس و استیصال مردم او را که اکثراً ذریه حضرت رسول اند، به خود حلال ساخته‌اند و دست نهیب و تاراج و قتل بر حال و اموال و مزارع مردم و اوقاف سرکار فیض آثار گشاده‌اند؟» (شاملو، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۴۰).

همچنین او نوشته که: «اوزبکان بی باک سفاک تیغ‌های ستم را از غلاف خلاف کشیده در یک طرفه‌العین چهار هزار سید صحیح‌النسب را به درجه شهادت مقرون ساختند.» (همان: ۱۷۵).

اسکندربیگ ترکمان نیز به موقعیت بالای برخی از سادات مشهد مقدس اشاره می‌کند: «از سادات عظام رضوی و موسوی جمعی در مشهد مقدس معلی رفیعه روزه مقدسه و بر مسند عزت و اعتبار تمکن داشتند اما زمره آن طبقه عالیقدر میرزا ابوطالب رضوی ولد ارجمندش میرزا ابوالقاسم بغایت بزرگ منش و عالی‌شأن و به کثرت مال و منال و رقبات و صنایع مرغوبه منفرد و ممتاز و اجله سادات خراسان خصوصاً مشهد مقدس معلی به‌علو شأن و بزرگی آن جناب و خلف موفورالشرف او معترف بودند.» (ترکمان، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۵۱). علاوه بر این، او ضمن ذکر جریان زیارت شاه‌اسماعیل، به اظهار محبت او به سادات «عتبه کعبه مرتبه» نیز اشاره می‌کند که «خاقان سلیمان شأن، مبتهج و مسرور با دلی آسوده و خاطری از فزع دور به مشهد مقدس معلی درآمده جبهه نیاز بر آن آستان ملائک‌آشیان سلطان خراسان نهاده به لوازم دعا و زیارت پرداختند و سادات و مجاوران آن عتبه کعبه مرتبه را به نوازشات ارجمند مخصوص گردانید...» (همان: ۳۷).

## نتیجه

سیاست مذهبی صفویان مبتنی بر استفاده حداکثری از تمامی ظرفیت‌ها و امکانات موجود برای ترویج و تبلیغ فرهنگ تشیع در جامعه بوده است. یکی از اقدام‌های فرهنگی مهم صفویان برای استقرار و تثبیت مذهب تشیع، بزرگداشت اماکن شیعی بود. در این میان، حرم مطهر رضوی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است.

آنچه اکنون برای ما مشخص شده تفاوت زیاد ابراز علاقه مشهود و قابل رؤیت مردم در دوره صفویه نسبت به سایر ادوار است. این اختلاف با استفاده از قراینی مانند میزان موقوفات و نذورات اختصاص داده شده برای این محل که در منابع تاریخی ثبت گردیده‌اند، افزایش فراوان دفن افراد مشهور در این مکان مقدس، گزارش‌های مربوط به زیارت‌ها و اعتکاف‌ها و استمدادها، عملیات عمرانی زیادی که در دوره صفویه در این مکان انجام شده و گزارش‌هایی که از توجه به سادات مقیم این مکان و حتی به‌طور عام مقیم شهر مشهد مقدس حکایت دارند و چند مورد دیگر، قابل سنجش و مطابقت است. همه مواردی که ذکر شد به‌نوعی تحت تأثیر اراده پادشاهان صفوی برای استفاده از این مکان برای ترویج تشیع بوده است. علاقه قلبی سلاطین صفوی به اهل بیت (علیهم‌السلام) زمانی که آنها در حرم مطهر امام رضا (علیه‌السلام) حضور می‌یافتند کاملاً هویدا بوده است. علاقه‌ای که با سیاست مذهبی آنها کاملاً در توافق بوده است و همین امر موجب گشت که این مکان سرآمد همه مکان‌های مقدس در ایران عصر صفوی شود و شرایط را برای مرکزیت معنوی این مکان و شهر مشهد فراهم سازد.

نکته قابل تأمل در این بین، تأثیر زیاد این اظهار خاکساری‌ها و عرض ارادت‌های فراوان پادشاهان صفوی نسبت به امام رضا (علیه‌السلام) و آرامگاه شریف ایشان در بین مردم بوده است. بارگاه مطهر رضوی بیشترین حجم گزارش زیارت‌ها را در منابع دوره صفوی در میان کل زیارت‌های گزارش شده پادشاهان صفوی به خود اختصاص داده است.



توبه معروف شاه طهماسب که در مسیر مشروعیت بخشی به خاندان صفوی یک حادثه مهم به‌شمار می‌رود، در کنار مضجع شریف امام رضا (علیه‌السلام) صورت پذیرفته و با مکاشفه‌ای که از قول شاه طهماسب نقل شده، رنگ و بوی فرامادی ویژه‌ای به آن داده شده که نقطه عطفی برای توجه به بارگاه رضوی در دوره صفوی شمرده می‌شود.

زیارت با پای پیاده شاه‌عباس اول از اصفهان تا مشهد نیز برای خواننده امروزی به رؤیا شباهت دارد اما این پیاده‌روی توسط شخص اول مملکت ایران قدرتمند عصر صفوی که شرابخوار و در عین حال با علایق شیعی بسیار عمیق بوده، صورت پذیرفته و این پادشاه با اقدام خود موجب توجه بیشتر مردم به بزرگداشت شأن و منزلت امام رضا (علیه‌السلام) و بارگاه مطهر رضوی شده است.

در مجموع باید گفت، در دوره صفوی بارگاه مطهر رضوی به لحاظ معنوی و فیزیکی کانون توجه پادشاهان صفوی برای ترویج و تثبیت مذهب تشیع اثناعشری بوده و از نقشی بی‌بدیل برخوردار بوده است.

## منابع و مآخذ

- آرام، محمداقرا. (۱۳۸۶). اندیشه تاریخی نگاری عصر صفوی. چاپ اول. تهران: امیرکبیر.
- ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید بن هبه‌الله. (۱۳۹۰). شرح نهج البلاغه. چاپ اول. تهران: کتاب نیستان.
- احمدی، زهت. (۱۳۹۰). در باب اوقاف صفوی. چاپ اول. تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ایزدی، حسین. (۱۳۹۵). شکل‌گیری و تحول مراسم مذهبی در عهد صفویه. چاپ اول. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ترکمان، اسکندرییگ. (۱۳۸۷). تاریخ عالم‌آرای عباسی. زیر نظر: ایرج افشار. چاپ سوم. تهران: امیرکبیر.
- جوینی، عظاملک علاءالدین. (۱۳۶۷). تاریخ جهانگشای جوینی. چاپ سوم. تهران: بامداد.
- حسینی، سید هاشم. (۱۳۸۰). «درآمدی بر شناخت کتبی‌های دوره صفوی حرم امام رضا (علیه‌السلام)». مجله مشکوة. پاییز وزمستان ۱۳۸۰. ش ۷۲ و ۷۳. صص: ۱۳۶-۱۴۵.
- حسنی قزوینی، یحیی بن عبداللطیف. (۱۳۱۴). لب‌التواریخ. تهران: مؤسسه خاور.
- حسینی استرآبادی، سیدحسن بن مرتضی. (۱۳۶۴). از شیخ صفی تا شاه صفی. به اهتمام احسان اشراقی. تهران: علمی.
- حسینی تفرشی، ابوالمفاخر بن فضل‌الله (۱۳۸۸). تاریخ شاه‌صفی. تصحیح: محسن بهرام‌نژاد. چاپ اول. تهران: میراث مکتوب.
- حسینی قمی، احمد بن شرف‌الدین حسین. (۱۳۵۹). خلاصه‌التواریخ. تصحیح: احسان اشراقی. تهران: دانشگاه تهران.
- حسینی، خورشاه بن قباد الحسینی. (۱۳۷۹). تاریخ ایلچی نظام‌شاه. تصحیح: محمدرضا نصیری و کوئیچی هانه‌دا. چاپ اول. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- روزبهان خنجی، فضل‌الله. (۱۳۴۱). مهمان‌نامه بخارا. به اهتمام: منوچهر ستوده. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- روملو، حسن بیگ. (۱۳۵۷). احسن‌التواریخ. تصحیح: عبدالحسین نوائی. تهران: انتشارات بابک.
- سبزواری، ملا محمدباقر. (۱۳۷۷). روضه الانوار عباسی. تصحیح: اسماعیل چنگیزی اردهابی. چاپ اول. تهران: آینه میراث.
- شاملو، ولی‌قلی. (۱۳۷۱). قصص الخاقانی. تصحیح: سیدحسن سادات ناصری. چاپ اول. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شاه‌طهماسب اول. (۱۳۶۳). تذکره شاه طهماسب. چاپ دوم. تهران: شرق.
- صفری، بابا. (بی‌تا). اردبیل در گذرگاه تاریخ. چاپ اول. بی‌نا.
- طلائی، زهرا. (۱۳۹۷). «سیاست مذهبی صفویان و پیامد آن بر توسعه موقوفات حرم امام رضا (علیه‌السلام)». فصلنامه پژوهش‌های تاریخی. ش ۳۷. صص: ۱۲۹-۱۵۲.
- طهرانی، محمدشفیع. (۱۳۸۳). مرآت واردات. تصحیح: منصور صفت‌گل. تهران: میراث مکتوب.

- عبدی بیگ شیرازی، زین العابدین علی. (۱۳۶۹). تکمله الاخبار. تصحیح: عبدالحسین نوائی. چاپ اول. تهران: نشر نی.
- عقیلی، سیداحمد؛ طباطبایی، سیدمصطفی. (۱۳۹۵). «پیوستگی وقف و تشیع و تأثیرات اجتماعی اقتصادی آن در ایران عصر صفوی». وقف میراث جاویدان. ش ۹۶ و ۹۵، صص: ۷۷-۹۲.
- فاضل بسطامی، نوروز علی بن محمدباقر. (۱۳۹۳). فردوس التواریخ. چاپ اول. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- قاسمی حسینی گنابادی. (۱۳۸۷). شاه اسماعیل نامه. تصحیح: جعفر شجاع کیهانی. چاپ اول. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- قزوینی، بوداق منشی. (۱۳۷۸). جواهر الاخبار. تصحیح محسن بهرام‌نژاد. چاپ اول. بی‌نا.
- کمپفر، انگلبرت. (۱۳۶۰). سفرنامه کمپفر. مترجم: کیکاووس جهاننداری. چاپ دوم. تهران: خوارزمی.
- گروهی از نویسندگان. (۱۳۸۸). تاریخ‌نگاری در ایران. ترجمه و تألیف: یعقوب آژند. چاپ دوم. تهران: گستره.
- لاری شیرازی، روح‌الله (متخلص به فتوحی). (۱۳۸۹). شرفنامه. تصحیح: محمدباقر وثوقی. تهران: مجلس شورای اسلامی.
- مستوفی، محمدحسن. (۱۳۷۵). زبده التواریخ. به‌کوشش: بهروز گودرزی. چاپ اول. تهران: موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- منجم، ملاجلال الدین. (۱۳۶۶). تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال. به‌کوشش: سیف‌الله وحیدنیا. چاپ اول. تهران: وحید.
- مؤلف ناشناخته. (۱۳۶۳). عالم آرای صفوی. به‌کوشش یدالله شکرکی. چاپ دوم. تهران: اطلاعات.
- واله قزوینی اصفهانی، محمدیوسف. (۱۳۸۲). ایران در زمان شاه‌صفی و شاه‌عباس دوم (حدیقه ششم و هفتم از روضه هشتم خلد برین). تصحیح: محمدرضا نصیری. چاپ دوم. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- وحید قزوینی، محمدطاهر. (۱۳۲۹). عباسنامه. تصحیح: ابراهیم دهگان. اراک: کتابفروشی داوودی.
- ولی زاده، حمیدرضا. (۱۳۸۲). «رشد و گسترش تشیع در شمال خراسان از آغاز تا پایان دوره صفویه». پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد.